



۱۱	باب دوم: در الزاماتی که بدون قرار حاصل می‌شود
۱۱	فصل اول: کلیات
۳۶	فصل دوم - در ضمان نهری
۳۷	مبحث اول: در غصب
۱۰۰	مبحث دوم - در اتلاف
۱۱۲	مبحث سوم - در تسبیب
۱۴۲	مبحث چهارم - در استیفاء
۱۵۰	باب سوم - در عقود معینه مختلفه
۱۵۰	فصل اول - در بیع
۱۵۰	مبحث اول - در احکام بیع
۱۹۳	مبحث دوم - در طرفین معامله
۲۰۷	مبحث سوم - در مبیع
۲۶۴	مبحث چهارم: در آثار بیع
۲۶۸	فقرة اول: در ملکیت مبیع و ثمن
۲۸۱	فقرة دوم: در تسلیم
۳۴۰	فقرة سوم - در ضمان درک
۳۵۶	فقرة چهارم - در تأدیة ثمن (قیمت)
۳۶۳	مبحث پنجم - در خیارات و احکام راجعه به آن
۳۶۳	فقرة اول - در خیارات
۳۶۷	اول - در خیار مجلس
۳۷۰	دوم - در خیار حیوان

۳۷۲ سوم - در خیار شرط
۳۷۹ چهارم - در خیار تأخیر ثمن
۳۹۳ پنجم - در خیار رؤیت و تخلف وصف
۴۰۹ ششم - در خیار عین
۴۵۰ هفتم - در خیار عیب
۵۲۶ هشتم - در خیار تدلیس
۵۴۳ نهم - در خیار تَبْطُخِ صَفَلَه
۵۶۲ دهم - در خیار تخلف شرط
۵۶۳ فقره دوم - در احکام خیارات به طور کلی

باب دوم: در الزاماتی که بدون قرار حاصل می‌شود

فصل اول: کلیات

ماده ۳۰۱- کسی که عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند.

سؤال = در چه صورتی اگر انسان مالی را که مستحق نیست دریافت نماید باید آن را به مالک برگرداند؟

جواب = قانونگذار در این ماده ۳۰۱ در مورد سؤال مطرح شده می‌گوید اگر کسی عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق آن را ندارد از دیگری دریافت نماید وظیفه دارد آن مال را به مالکش برگرداند. اکنون با توجه به آنچه گفته شد دو نکته در این رابطه بیان می‌کنیم:

۱- نکته اول اینکه اگر شخص مبلغی را به حساب فردی واریز نمود در حالی که آن فرد، طلبکار شخص واریزکننده نبوده است و پرداخت کننده بدوی نسبت به وی نداشته است در این هنگام براساس گفته قانونگذار در ماده ۳۰۱ قانون مدنی آن فرد دریافت کننده آن مبلغ باید مبلغ واریز شده را به صاحب برگرداند و برای لزوم و واجب بودن این عمل برگرداندن آن مبلغ لازم نیست که وی اشتباه پرداخت کننده در عمل پرداخت آن مبلغ راجهت اثبات برسد و به عبارت دیگر لازم نیست که از نظر حقوقی در ابتداء دریافت کننده آن مبلغ اثبات کند که واریزکننده آن مبلغ اشتباهی آن مبلغ را واریز کرده است تا آن وقت از نظر قانونی ملزم و مجبور باشد آن مبلغ را به واریزکننده برگرداند. بلکه حتی اگر واریزکننده (که قصد کمک و بخشش مجانی از این کار نداشته است) به قصد و انگیزه خاصی عمداً و حساب شده آن مبلغ را به حساب وی واریز کرده باشد وی ملزم به برگرداندن آن مبلغ می‌باشد. مثلاً برای فرار کردن از طلبکاران خود و واتسود کردن اینکه وی تنگدست شده و حساب او از موجودی خالی است تمام موجودی خود را به حساب آن شخص انتقال داده است و هیچ اشتباهی هم در انتقال دادن آن مبلغ به آن شخص صورت نگرفته است، بلکه هدفش از انتقال دادن آن مبلغ این بوده که از دست طلبکاران نجات پیدا کند آنگاه در وقت مناسبی به سراغ دریافت کننده آن مبلغ رفته و مبلغ واریز شده را از وی پس بگیرد. نتیجه اینکه دریافت کننده آن مبلغ از نظر قانونی ملزم به پس دادن و برگرداندن آن مبلغ به شخص واریزکننده مبلغ می‌باشد. «رجوع کنید، کاتوزیان، دکتر ناصر، کتاب ضمان قهری، شماره ۳۴۴».

۲- نخست نگاهی به مفاد ماده ۲۶۵ قانون مدنی می‌اندازیم که در نکته شماره ۱ آن ماده گفتیم ظاهر این است که اگر شخصی مالی به شخص دیگری داد قصد مجانی و هدیه کردن به آن شخص را نداشته است بلکه پرداخت‌کننده آن مال بدهکار آن شخص (دریافت‌کننده) بوده است بنابراین زمانی می‌تواند از نظر قانونی آن مال را از وی پس بگیرد که در ابتداء اثبات نماید که هیچ‌گونه بدهی نسبت به آن شخص (دریافت‌کننده) نداشته است. اکنون در اینجا هم می‌گوییم با استفاده از آنچه که در نکته شماره ۱ ماده ۲۶۵ قانون مدنی گفته شد پرداخت‌کننده این مبلغ که بعد از پرداخت کردن آن مبلغ ادعا می‌کند که اشتباهی صورت گرفته است و من نمی‌خواستم که به حساب این شخص مبلغی واریز نمایم و بدهکار او هم نیستم در این صورت به نظر می‌رسد که وی باید این اشتباهی را که ادعا می‌کند اثبات نماید و یا اینکه اگر نتوانست چنین اشتباهی را اثبات نماید باید بتواند وجود اکراه یا حيله (تیرنگ) و مانند آن را برای غیر مستحق بودن دریافت‌کننده آن مبلغ اثبات نماید که در این صورت نیز دریافت‌کننده آن وجه باید آن وجه دریافتی را به صاحبش برگرداند. بنابراین اگر پرداخت‌کننده آن مبلغ را اکراه (مجبور) نموده باشند که آن مبلغ را به حساب شخص دریافت‌کننده واریز نماید که مثلاً او را تهدید جانی و یا مالی و یا ناموسی کرده‌اند که اگر آن مبلغ را به حساب شخص نامبرده واریز ننماید به جان یا مال و یا ناموس وی آسیب وارد می‌کنند و یا اینکه افرادی از روش حيله و تیرنگ وی را فریب داده و او آن مبلغ را به حساب شخص موردنظر آنها واریز نموده است که خلاصه اگر واریز‌کننده آن مبلغ نتوانست غیر از صورت گرفتن اشتباه، حيله و یا اکراه (مجبور کردن) و مانند آن را در پرداخت نمودن آن وجه اثبات نماید در آن صورت دریافت‌کننده آن وجه باید مبلغ واریز شده به حسابش را به پرداخت‌کننده برگرداند چون که در این صورت‌هایی که گفته شد (اشتباه در پرداخت و یا استفاده از حيله و یا اکراه و اجبار) وجود بدهی از طرف پرداخت‌کننده آن مبلغ نسبت به دریافت‌کننده آن مبلغ منتفی شده و از بین می‌رود. در این مورد نیز می‌توانید به کتاب دکتر کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری رجوع نمایید.

ماده ۳۰۲- اگر کسی که اشتبهاً خود را مدیون می‌دانست آن دین را تأدیة کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید.

سؤال = منظور قانونگذار از این گفته خود در این ماده (۳۰۲) چیست که می‌گوید اگر کسی اشتبهاً خود را مدیون (بدهکار) کسی بداند و آن دین (بدهی) را به او پرداخت نماید می‌تواند آن را پس بگیرد؟

ک. جواب = منظور قانونگذار از آنچه که در این ماده ۳۰۲ بیان داشته ایفای ناروا است، این است که اگر مثلاً شخصی بنام احمد مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ یک میلیون تومان بدهکار شخص دیگری بنام محمد می‌باشد و محمد هیچ‌گونه طلبی از حسین ندارد اما حسین خیال می‌کند که محمد از او (حسین) مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ یک میلیون تومان طلبکار است در حالی که همان‌طوری که گفته شد حسین هیچ مبلغی بدهکار محمد نیست ولی با وجود این گمان می‌کند (در اثر اشتباه) که محمد مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ یک میلیون تومان از او طلب دارد و در نتیجه حسین این مبلغ را به حساب محمد واریز می‌کند و بعداً متوجه می‌شود که بدهکار محمد نبوده است که در این صورت براساس گفته قانونگذار در ماده ۳۰۲ قانون مدنی حسین (پرداخت‌کننده) حق دارد که از محمد (طلبکار) درخواست نماید که آن مبلغ را به وی برگرداند. نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود این است که کسی خیال نکند که منظور قانونگذار از آنچه که در این ماده بیان کرده است این است که در هر حال فقط در یک صورت پرداخت‌کننده می‌تواند آنچه را که پرداخت نموده است پس بگیرد و آن هم در صورتی است که اشتباه خود را در پرداخت کردن به آن شخص اثبات نماید. خلاصه چنین برداشتی نباید از گفته قانونگذار در این ماده ۳۰۲ نمود زیرا همان‌طوری که در توضیح ماده قبل ۳۰۱ نیز گفته شد ممکن است پرداخت‌کننده را مجبور کرده باشند (با تهدید جانی یا مالی یا ناموسی) که یک مبلغی را به حساب شخصی (که اصلاً بدهکار آن شخص نیست) واریز کند و یا اینکه با حيله و نیرنگ او را فریب داده‌اند که با حالت علم و آگاهی و اختیار کامل (در حالی که صاحب حساب را می‌شناسد) آن مبلغ را به حساب وی واریز می‌کند که گفته شد در تمام این موارد پرداخت‌کننده آن مبلغ از نظر حقوقی حق دارد که آن مبلغ واریز نموده را پس بگیرد. بنابراین صورت اشتباه کردن یکی از صورت‌های مجوز داشتن پرداخت‌کننده وجه می‌باشد که می‌تواند وجه پرداخت شده را از دریافت‌کننده پس بگیرد. نتیجه اینکه برای پس گرفتن مبلغ واریز شده به حساب یک شخص صورت‌های دیگری هم غیر از صورت اشتباه کردن وجود دارد و نباید توهم شود که براساس ماده ۳۰۲ واریز‌کننده مبلغ فقط در صورت اثبات اشتباه در پرداخت کردن وجه، حق درخواست پس گرفتن آن وجه را دارد. «در این مورد با مطالعه ماده ۳۰۱ قانون مدنی و توضیحاتی که در نکات مربوط به آن ماده داده شد مطلب روشن می‌گردد. رجوع کنید به شرح قانون مدنی به زبان عامه همین نگارنده».

ماده ۳۰۳ - کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است. اعم از این که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل.

سوال = معیار و میزان تعیین مسئولیت و جبران خسارت از طرف دریافت کننده مال دیگری (به ناحق) چیست؟

جواب = قبل از اینکه نکاتی را در مورد ماده ۳۰۳ یادآوری کنیم در ابتداء به مراد و منظور قانونگذار در ماده ۳۰۳ قانون مدنی اشاره می‌کنیم که اگر مثلاً ماشین متعلق به جعفر به هر دلیل غیر مجازی به دست موسی افتاد که موسی مجاز به استفاده کردن و نگهداری نمودن از آن ماشین نمی‌باشد در این صورت چنانچه موسی بتواند آن ماشین را به مالکش (جعفر) برساند ولی عمداً آن ماشین را نگهداری نموده و آن را تحویل مالکش نمی‌دهد که در این حالت ضامن آن ماشین بوده و باید آن را به مالکش تحویل دهد و همین‌طور ضامن منافع آن ماشین هم می‌باشد به این معنی که اگر مثلاً یک ماه آن ماشین را به صورت غیر مجاز در اختیار داشته باشد و منفعت و کرایه آن ماشین در طول آن یک ماه ۵۰۰/۰۰۰ پانصد هزار تومان بوده باشد موسی علاوه بر اینکه ضامن خود (عین) ماشین می‌باشد پانصد هزار تومان هم جهت منافع و کرایه‌های از دست رفته باید به جعفر بپردازد و چنانچه به خود ماشین (عین = کالا) هم تا وقتی که در اختیار موسی است خسارتی وارد شود ضامن خسارت وارد شده هم می‌باشد. در آنچه که گفته شد نسبت به مسئولیت متصرف (در اختیار دارنده) کالا فرقی نمی‌کند که موسی (در مثال) علم و آگاهی داشته که استحقاق استفاده از آن ماشین را نداشته و آن ماشین مال او نیست و یا اینکه جاهل به این موضوع می‌باشد بطوری که اصلاً نمی‌داند که این ماشین مال او نیست و همچنین خیال می‌کند که آن ماشین مال خود اوست که در این صورت نیز ضامن خود کالا و منافع از دست رفته می‌باشد. اکنون با توجه به آنچه که گفته شد دو نکته در مورد این ماده بیان می‌کنیم:

۱- نکته اول اینکه برای تشخیص دادن و تعیین نمودن میزان مسئولیت در اختیار گیرنده کالا (به صورت غیر مجاز) باید دید که چه مقدار ضرر و زیان به مالک آن کالا وارد شده است نه اینکه چه اندازه منفعت او (متصرف = در اختیار دارنده کالا) از در اختیار داشتن آن کالا برده است. بنابراین براساس همان مثال گذشته هر خسارتی که بر آن ماشین متعلق به جعفر که در دست موسی بوده است وارد گردیده است موسی مسئول جبران آن خسارت می‌باشد و همچنین باید منافع (کرایه‌های) آن مدتی را که ماشین نزد وی بوده است به جعفر بپردازد. نکته‌ای که در

این زمینه باید به آن توجه کنیم این است که آنچه را که موسی باید بابت منافع از دست رفته حساب نموده و به جعفر بپردازد کرایه‌های معمول آن ماشین در طول آن مدت نگهداری شده می‌باشد که از دست جعفر رفته و خسارت دیده است نه آنچه را که وی (موسی) در زمان تصرف خود از آن ماشین بدست آورده است زیرا ممکن است بین این دو تفاوت باشد برای اینکه مثلاً کرایه‌های متعارف و معمولی چنین ماشینی در مدت یک ماه (که به صورت غیر مجاز در اختیار موسی بوده است) مبلغ ۴۰۰/۱۰۰۰ چهارصد هزار تومان بوده است اما موسی در این مدت یک ماه برای دوست خود با این ماشین کار کرده است و دوست وی دو برابر این مبلغ به وی کرایه داده است که در این صورت آنچه از منفعت و کرایه این یک ماه که موسی باید به جعفر بپردازد همان کرایه معمولی و متعارف (= مبلغ ۴۰۰/۱۰۰۰ چهارصد هزار تومان) است نه همه آنچه را که از منفعت بدست آورده است یعنی لازم نیست مبلغ ۸۰۰/۱۰۰۰ هشتصد هزار تومان به جعفر بپردازد. «رجوع کنید، کاتوریلن، دکتر ناصر، کتاب ضمان قهری، شماره ۳۴۵».

۲- نکته دوم در این رابطه را به بیان این مطلب اختصاص می‌دهیم که چنانچه براساس آن مثال زده شده آن ماشین نزد موسی تلف شده و از بین رفت آنگاه موسی ادعا کرد که من از روی حسن نیت (به منظور اینکه آن ماشین را برای مالکش نگهداری کنم) آن ماشین را نگه داشته بودم و دلایل و شواهد هم نشان می‌دهد که آن ماشین به علت حوادث طبیعی (مانند زلزله و سیل) از بین رفته است، اینگونه ادعاها از مسئولیت موسی نسبت به جبران کردن خسارت‌های وارد شده بر جعفر (به سبب از بین رفتن ماشینش) نمی‌کاهد. نمی‌توانیم چند که موسی در این ادعای خود مبنی بر اینکه حوادث طبیعی و قهری (بلاهای طبیعی) آن ماشین را از بین برده است صادق باشد زیرا آنچه که باعث شده است این ادعا از مسئولیت موسی نسبت به جبران خسارت بر جعفر کم نکنند این است که زمانی که متوجه شد آن ماشین متعلق به جعفر بوده و جعفر درخواست پس گرفتن ماشین خود را نموده بود وی باید بدون درنگ و تأخیر ماشینش را در اختیارش می‌گذاشت و چون که عمداً در حالی که قدرت تحویل دادن ماشین موسی را به وی داشته است اما از تحویل دادن ماشین به وی خودداری می‌کند تا اینکه آن ماشین از بین می‌رود در نتیجه خودداری کردن عمدی وی نسبت به تحویل دادن آن ماشین سبب مسئول بودن وی در برابر جعفر نسبت به جبران خسارت وارد شده می‌باشد هر چند که آن ماشین با حادثه طبیعی (مانند سیل و زلزله) از بین رفته باشد. بنابراین مسئولیتی که دارد عین غاصب است. «در این مورد می‌توانید به همان کتاب ضمان قهری مراجعه نمایید.»

ماده ۳۰۴- اگر کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است خود را مُحِقّ می‌دانسته لیکن در واقع محق نبوده و آن چیز را فروخته باشد معامله فصولی و تابع احکام مربوطه به آن خواهد بود.

سؤال - آیا برای فصولی بودن یک معامله نادانی متصرف کالا (کسی که کالای دیگری در اختیار اوست و قصد دارد آن را بفروشد) نسبت به غیر مستحق بودن خود نسبت به آن کالا لازم است؟

جواب = خیر چون که ممکن است یک شخص علم و آگاهی هم داشته باشد که آن کالایی که در اختیار دارد متعلق به فرد دیگری است ولی با وجود این علم و آگاهی آن کالا را بدون اجازه مالکش به دیگری بفروشد که در این حالت نیز وی ضامن خود کالا و منافع آن در مدتی که در اختیار مالکش نبوده است ضامن باشد. جهت فهم دقیق‌تر آنچه گفته شد می‌توانید به ماده‌های ۲۲۲ به بعد مربوط به مبحث غصب و همچنین به ماده‌های ۲۴۷ به بعد مربوط به معاملات فصولی مطرح شده در فصل پنجم مراجعه نمایید.

همچنین با مراجعه به ماده ۱۹۷ قانون مدنی تأکید قانونگذار را نسبت به آنچه گفته شد ملاحظه می‌کنیم زیرا ماده یاد شده چنین بیان می‌کند که در صورتی که ثمن (قیمت = بهاء) و یا ثمن (کالای) مورد معامله عین (جنس، کالا) متعلق به غیر باشد آن معامله برای صاحب عین (جنس = کالا) خواهد بود و معلوم است که آنچه را که قانونگذار در این ماده ۱۹۷ بیان داشته است در صورتی اتفاق می‌افتد که شخصی که پول (ثمن) دیگری را در اختیار دارد بداند که این پول مال دیگری است و یا نداند (بلکه خیال کند که آن پول مال خودش است) با آن پول جنسی برای خودش بخرد در این صورت چون این معامله فصولی می‌باشد جنس خرید شده مال مالک آن پول می‌باشد و همان طوری که گفته شد در این موضوعی که مطرح شد فرقی نمی‌کند که در اختیار دارنده آن پول (ثمن) علم و آگاهی ندارد که آن پول (ثمن) مال او نیست و یا اینکه، با حالت علم و آگاهی نسبت به اینکه آن پول مال او نیست آن معامله را انجام داده و آن جنس را می‌خرد که در هر دو صورت (حالت نادانی و حالت آگاهی) آن جنس خریداری شده متعلق به مالک آن پول می‌باشد.

همان طوری که اگر آن شخص عین (کالای) دیگری را در اختیار داشته باشد و بدون اجازه و رضایت مالک آن کالا و بدون مجوز قانونی جهت فروختن آن کالا، کالای یاد شده را برای خودش بفروشد در این صورت نیز براساس گفته قانونگذار در ماده ۱۹۷ قانون مدنی پول بدست